



1.99ND

۸۷/۱۱۰۴۷۳۸
۸۷/۱۱۰۵



دانشگاه الزهرا (س)

دانشکده علوم اجتماعی و اقتصاد

پایان نامه

جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد
رشته توسعه اقتصادی و برنامه ریزی

عنوان :

اثر رشد در آمد سرانه بر فقر در ایران
طی سالهای ۱۳۸۵-۱۳۶۳

اساتید راهنما:

آقای دکتر حسین راغفر

آقای دکتر محمود حائریان

استاد مشاور:

آقای دکتر کریم امامی

دانشجو:

مریم عرب نژاد

تیرماه ۱۳۸۷

۱۳۸۷ / ۹ / ۱۱

۱۴۴۴۸۵

تقدیم به

پدر و مادرم

و

آنان که به من آموختند

سپاسگزاری

حمد و سپاس پروردگار بزرگ را که توفیق کسب علم را نصیبم ساخت و سختیهای راه را بر من هموار.

در اینجا بر خود واجب می دانم از تمامی بزرگوارانی که در طول تحصیل از راهنماییها و کمک هایشان بهره مند شده ام ، سپاسگزاری نمایم.

از استاد محترم جناب آقای دکتر راغفر که در تمامی مراحل انجام این تحقیق از راهنمایی های ایشان بهره مند گردیده ام کمال تشکر را دارم .

از جناب آقای دکتر امامی که از مشاوره و راهنمایی ایشان استفاده نمودم ، سپاسگزارم .

از جناب آقای دکتر حائریان و همچنین اساتید محترم گروه که در طول دوره تحصیل از محضر علم و تجربه ایشان بهره مند گشتم ، تشکر می نمایم .

از پرسنل محترم گروه اقتصاد دانشگاه الزهرا کمال تشکر را دارم .

از دوستان و همکلاسیهای عزیزم که به نوعی من را در انجام این تحقیق یاری نمودند تشکر و قدردانی می کنم .

در پایان ویژه ترین سپاس ها نثار خانواده ام باد که هر چه دارم بعد از عنایت خداوند متعال از لطف و محبت این بزرگواران است .

مریم عرب نژاد

تیرماه ۱۳۸۷

اثر رشد درآمد سرانه بر فقر در ایران طی سالهای ۱۳۸۵-۱۳۶۳

چکیده:

هدف اصلی این پژوهش بررسی رابطه بین رشد درآمد سرانه و فقر در ایران طی سالهای ۱۳۸۵-۱۳۶۳ می باشد.

ابتدا با استفاده از آمار هزینه و درآمد خانوارها میزان فقرکل، شهری و روستایی در ایران طی دوره مورد بررسی محاسبه شده است. بدین منظور ابتدا خط فقر مطلق مناطق شهری و روستایی براساس رویکرد حداقل نیازهای اساسی (۲۰۰۰ کیلوکالری) محاسبه شده است. برای اضافه نمودن حداقل نیازهای غیر غذایی از روش اورشانسکی (با استفاده از معکوس ضریب انگل) استفاده شده است. سپس از شاخص فوستر، گریر و توربک برای مقدار $\alpha = 0$ برای هر یک از سالهای مورد بررسی و به تفکیک شهر و روستا تخمین زده شده است. سپس به بررسی ویژگیهای اقتصادی نفتی و نقش درآمدهای نفتی در این نوع اقتصادها پرداخته شده است و علل ایجاد بیماری هلندی بررسی می گردد. سپس، مدلی که متغیرهای رشد درآمد سرانه، نسبت مخارج دولت در بخش کالا و خدمات عمومی بر تولید ناخالص داخلی، نسبت صادرات و واردات بر تولید ناخالص داخلی، بر تغییرات شاخص فقر را بررسی می کند، برازش می گردد. نتایج حاصل از برازش مدل، نشان می دهد که طی دوره مورد بررسی رشد درآمد سرانه، باعث کاهش شاخص فقر گردیده است.

در نهایت یافته های این پژوهش نشان داد که کاهش فقر در ایران نیازمند افزایش رشد درآمد سرانه است، و همچنین اتخاذ سیاستهای حامی فقرا برای توزیع درآمد است. چنانچه درآمدهای نفتی به صورت درست در استراتژی های توسعه ملی سرمایه گذاری شوند و به سرمایه گذاری عمومی تبدیل شوند به جای اینکه به افزایش مخارج بخش عمومی منجر شوند، می توان انتظار کاهش در میزان فقر را داشت.

فهرست مطالب

عنوان صفحه

فصل اول - کلیات

- ۱-۱- مقدمه ۱
- ۲-۱- اهداف تحقیق ۲
- ۳-۱- فرضیات تحقیق ۳
- ۴-۱- تعریف جامعه آماری و ویژگیهای آن ۳
- ۵-۱- روش نمونه گیری و حجم تقریبی نمونه ۳
- ۶-۱- روش تجزیه و تحلیل داده ها ۳

فصل دوم - مروری بر مطالعات انجام شده

- ۱-۲- مروری بر پژوهشهای خارجی ۵
- ۲-۲- ماهیت اختلاف نظرها درباره مباحث فقر و رشد ۹
- ۳-۲- دیدگاههای رشد، نابرابری و فقر ۱۰
- ۴-۲- برخی از مطالعات انجام شده در ایران ۱۴

فصل سوم - معرفی شاخصها و مبانی نظری

- ۱-۳- تعریف فقر ۱۸
- ۲-۳- انواع فقر ۱۹
- ۱-۲-۳- فقر مطلق ۱۹
- ۲-۲-۳- فقر نسبی ۱۹
- ۳-۳- خط فقر ۲۰
- ۱-۳-۳- خط فقر مطلق ۲۰
- ۱-۱-۳-۳- تعیین خط فقر بر اساس رتبه بندی خانوار ۲۱
- ۲-۱-۳-۳- تعیین خط فقر بر اساس تغذیه مناسب ۲۱
- ۳-۱-۳-۳- روش ارشانسکی ۲۱
- ۲-۳-۳- خط فقر نسبی ۲۲
- ۱-۲-۳-۳- نسبت انگل ۲۲
- ۲-۲-۳-۳- منحنی لورنز ۲۳
- ۳-۲-۳-۳- ضریب جینی ۲۳

- ۲۴..... ۳-۲-۴- نسبت کوزنتس
- ۲۵..... ۳-۴-۴- ویژگیهای شاخص فقر
- ۲۶..... ۳-۵-۵- شاخصهای اندازه گیری فقر
- ۲۶..... ۳-۵-۱- نسبت سرشمار فقر (نسبت سرشمار)
- ۲۶..... ۳-۵-۲- شکاف فقر
- ۲۶..... ۳-۵-۳- شاخص فقر سن
- ۲۷..... ۳-۵-۴- شاخص فوستر، گریو توریک

مبانی نظری

- ۲۹..... ۳-۶-۱- ویژگی های اقتصاد نفتی ایران
- ۲۹..... ۳-۶-۱- منابع نفتی و راهبردهای توسعه ملی
- ۳۳..... ۳-۶-۲- درآمدهای نفتی، سرمایه گذاری عمومی، کاهش فقر
- ۳۵..... ۳-۶-۳- بیماری هلندی
- ۴۲..... ۳-۶-۴- سیاست نرخ ارز
- ۴۳..... ۳-۶-۵- پرداختهای نقدی درآمدهای نفتی به مردم
- ۴۵..... ۳-۶-۶- پس انداز درآمدهای نفت برای آینده از طریق ایجاد دارایی های مالی

- ۴۶..... ۳-۷-۷- عوامل موثر بر درآمدفقا
- ۴۹..... ۳-۷-۱- درآمد سرانه
- ۵۱..... ۳-۷-۲- تورم
- ۵۲..... ۳-۷-۳- مخارج دولت در بخش کالا و خدمات عمومی
- ۵۳..... ۳-۷-۴- نسبت صادرات و واردات بر تولید ناخالص داخلی
- ۵۶..... ۳-۷-۵- توسعه مالی
- ۵۷..... ۳-۷-۶- حقوق مالکیت
- ۵۸..... ۳-۷-۷- فرصتهای شغلی

فصل چهارم : برازش مدل و تحلیل نتایج

- ۵۹..... ۴-۱- پردازش داده ها
- ۵۹..... ۴-۲- اندازه گیری خط فقر
- ۶۲..... ۴-۳- معرفی مدل
- ۶۳..... ۴-۳-۱- اثر رشد درآمد سرانه بر فقر
- ۶۴..... ۴-۳-۲- بررسی نسبت مخارج در بخش کالا و خدمات عمومی بر تولید ناخالص داخلی
- ۶۵..... ۴-۳-۳- نسبت صادرات و واردات بر تولید ناخالص داخلی

فصل پنجم: نتیجه گیری و توصیه های سیاستی

- ۱-۵- مقدمه ۶۹
- ۲-۵- بررسی رابطه رشد درآمد سرانه و فقر طی سالهای ۱۳۶۳-۱۳۸۵ ۶۹
- ۳-۵- بررسی نسبت مخارج دولت در بخش کالا و خدمات عمومی بر تولید ناخالص داخلی ۷۱
- ۴-۵- بررسی نسبت صادرات و واردات بر تولید ناخالص داخلی ۷۱
- ۵-۵- نتیجه گیری و توصیه های سیاستی ۷۳
- منابع ۷۷
- پیوست ۸۱

فهرست نمودارها و جداول

فصل سوم

- نمودار ۱-۳- منحنی لورنز ۲۳
- نمودار ۲-۳- بیماری هلندی ۳۷
- نمودار ۳-۳- اثر سرمایه گذاری در کالاهای خدمات عمومی به دنبال افزایش درآمدهای نفتی ۳۹
- نمودار ۴-۳- کاهش نرخ ارز به دنبال افزایش درآمد کالاهای غیر تجاری ۴۰
- نمودار ۵-۳- رشد درآمد سرانه و فقر، طی سالهای ۹۷-۱۹۸۳ ۵۰
- نمودار ۶-۳- رشد سرانه و توزیع درآمد طی دوره ۹۹-۱۹۸۱ ۵۱
- نمودار ۷-۳- تورم و رشد سرانه طی دوره ۲۰۰۱-۱۹۸۰ ۵۲
- نمودار ۸-۳- صادرات و رشد طی دوره ۲۰۰۱-۱۹۸۰ ۵۴
- نمودار ۹-۳- واردات و رشد طی دوره ۲۰۰۱-۱۹۸۰ ۵۴
- نمودار ۱۰-۳- تجارت و رشد طی دوره ۲۰۰۱-۱۹۸۰ ۵۵
- نمودار ۱۱-۳- نرخ پس انداز و درآمد سرانه طی سالهای ۲۰۰۱-۱۹۸۰ ۵۶
- نمودار ۱۲-۳- رشد سرمایه گذاری و رشد طی سالهای ۲۰۰۱-۱۹۸۰ ۵۷
- نمودار ۱۳-۳- رشد جمعیت و درآمد سرانه طی دوره ۲۰۰۱-۱۹۸۰ ۵۸

فصل چهارم

- نمودار ۱-۴- روند شاخص فقر کل، شهری و روستایی در ایران طی دوره ۱۳۸۵-۱۳۶۳ ۶۰
- جدول ۱-۴- درصد خانوارهای زیر خط فقر در ایران طی سالهای ۱۳۸۵-۱۳۶۳ ۶۱
- نمودار ۲-۴- لگاریتم رشد درآمد سرانه طی سالهای ۱۳۸۵-۱۳۶۳ ۶۳
- نمودار ۳-۴- رابطه رشد درآمد سرانه و فقر طی سالهای ۱۳۸۵-۱۳۶۳ ۶۳
- نمودار ۴-۴- روند نسبت مخارج عمومی مربوط به کالاهای خدمات عمومی به تولید ناخالص داخلی طی دوره ۱۳۸۵-۱۳۶۳ ۶۴
- نمودار ۵-۴- سرانه مخارج عمومی مربوط به کالا و خدمات عمومی طی دوره ۱۳۸۵-۱۳۶۳ ۶۴
- نمودار ۶-۴- روند نسبت جمع صادرات و واردات بر GDP طی دوره ۱۳۸۵-۱۳۶۳ ۶۵
- نمودار ۷-۴- روند لگاریتم درآمد صادرات نفت و گاز ایران طی دوره زمانی ۱۳۸۵-۱۳۶۳ ۶۵
- جدول ۲-۴- نتایج آزمون دیکی-فولر تعمیم یافته برای متغیرهای مدل ۶۶
- جدول ۳-۴- بررسی نتایج آزمون همگرایی ۶۷

فصل اول

کلیات

۱ - ۱ - مقدمه :

اگر چه رشد اقتصادی یکی از ابزارهای مهم برای از میان برداشتن فقر است. اما گزارشات بانک جهانی در سال ۲۰۰۵ نشان داده است که علی رغم رشد اقتصادی بالا طی دو دهه گذشته روند کاهش فقر طی دهه پیشین بسیار آرام بوده است.

یکی از ملموس ترین مسایل اقتصادی - اجتماعی کشورهای کمتر توسعه یافته از جمله ایران فقر است. به طوری که همواره و همه جا شاهد این موضوع هستیم. به همین دلیل ریشه کن کردن فقر، در اولویت سیاستهای دولتها قرار گرفته است. در همین راستا، سازمان ملل سال ۱۹۹۷ را به عنوان سال فقر زدایی و دهه ۲۰۰۶ - ۱۹۹۷ را دهه فقرزدایی نام گذاری کرد. یکی از اهداف هشتگانه توسعه، در برنامه مصوب سازمان ملل برای توسعه کشورها، ریشه کنی فقر و گرسنگی می باشد. و تمامی ۱۹۱ دولت عضو ملل متحد تعهد کرده اند تا سال ۲۰۱۵ تعداد فقرای کمتر از ۱ دلار در روز و گرسنگان را به نصف کاهش دهند. در بررسی موقعیت کشورهای توسعه نیافته پدیده فقر به عنوان یکی از بارزترین ویژگی این کشورها به شمار می آید. به عبارت دیگر مشخصه عمومی همه این کشورها گستردگی فقر است. همگام با انقلاب صنعتی و گسترش اثرات آن در قالب روشهای نوین تولید به سایر کشورها، تغییر سازمان تولید برخی از بخشهای اقتصاد و بروز دوگانگی ها در شیوه تولید، توجه به مساله فقر بیشتر شد و تقریباً تمامی مکاتب اقتصادی به این مساله، هم به عنوان یکی از عوامل توسعه نیافتگی و هم به عنوان نتیجه توسعه نیافتگی اندیشیده اند.

اخیراً تحقیقات متعددی بر روی رابطه بین رشد و فقر انجام شده است که طی آن اقتصاددانان به دنبال یافتن پاسخ چنین سئوالاتی بوده اند: آیا منافع رشد اقتصادی شامل فقرا می شود؟ یا اینکه اثر اصلی رونق اقتصادی بوسیله ثروتمندان جذب شده و به مقدار کمتری افراد کم درآمد را منتفع می کند؟ پاسخ به این سئوالات دارای مفاهیم مهمی برای سیاست گذاران اقتصادی است. زیرا در صورتی که

رشد اقتصادی از قبل بین گروههای مختلف درآمدی تقسیم شده باشد، نیازی به وارد کردن اهداف توزیعی در سیاستهای اقتصادی نیست. ولی اگر رشد، فقرا را بی نصیب بگذارد سیاستهای اقتصادی به ویژه سیاستهای موافق رشد با ملاحظات دیگری باید انتخاب شوند.

وقتی صحبت از فقر به میان می آید اکثرما جنبه اقتصادی و مادی آن را در نظر می گیریم. حتی اغلب تحقیقات انجام شده در زمینه فقر جنبه اقتصادی آن را در نظر گرفته اند. در حالی که فقر یک مقوله فرا بخشی بوده و جنبه های متفاوتی چون امنیت، مسایل روانی، فرهنگی، بهداشتی، سلامت و سیاسی را در برمی گیرد.

۲-۱- اهداف تحقیق:

موضوع رابطه بین رشد درآمد سرانه اقتصادی و فقر در سالهای اخیر موضوع مباحث گسترده ای در حوزه مطالعات توزیع درآمد بوده است. هدف اصلی این پژوهش بررسی وضعیت فقرا و تاثیر رشد درآمد سرانه بر وضعیت فقرا در ایران طی دوره سالهای ۱۳۸۵ - ۱۳۶۳ است. در این پژوهش میزان فقر را بر اساس شاخص فوستر، گریر و توربک محاسبه می نمایم. سپس به منظور بررسی این که چگونه درآمدهای فقرا با درآمدهای کل تغییر می کند، تغییرات برآزش لگاریتم فقر (P) بر لگاریتم رشد درآمد سرانه (Y) و مجموعه ای از متغیرهای کنترلی (X) را تخمین می زنیم.

$$\ln P = \alpha_0 + \alpha_1 \cdot \ln Y_t + \alpha_2 \cdot \ln X_t + \mu_c + \varepsilon_t \quad (\text{معادله ۱-۱})$$

پارامترهای مهم در این معادله که مورد توجه ما قرار دارند، عبارتند از:

α_1 ، که تغییرات در میزان فقر به تغییرات رشد درآمد سرانه را اندازه گیری می کند و مشخص می کند یک درصد تغییر در رشد درآمد سرانه منجر به چه میزان تغییر در فقر می شود. به طوری که $\alpha_1 = 1$ مشخص می کند که یک درصد رشد در درآمد سرانه دقیقاً منجر به همان مقدار رشد در فقر می شود. ولی مشاهدات نشان می دهد که سهم افزوده شده به درآمد فقرا در جامعه رابطه کاملاً

نظاممند با میانگین درآمد سرانه ندارد. دومین پارامتر مهم α_2 است که اثر سایر عوامل تعیین کننده درآمد فقرا را، با فرض ثابت نگه داشتن میانگین درآمد نشان می دهد. $\mu + \varepsilon_i$ یک جمله خطای ترکیبی است که شامل اثرات مشاهده نشده می باشد.

۳-۱- فرضیات تحقیق:

رشد درآمد سرانه در ایران به نفع فقرا می باشد.

رشد درآمد سرانه در ایران در طول دوره مورد بررسی به کاهش فقر انجامیده است.

۴-۱- تعریف جامعه آماری و ویژگیهای آن:

از داده های مربوط به خانوار که به طور منظم و سالیانه توسط مرکز آمار ایران نمونه گیری شده، در طی سالهای ۱۳۸۵-۱۳۶۳ استفاده خواهد شد. همچنین داده های مربوط به شاخص بهای مصرف کننده، هزینه های دولت و میزان صادرات و واردات از داده های بانک مرکزی و میزان جمعیت شاغل نیز از داده های مرکز آمار ایران استفاده شده است.

۵-۱- روش نمونه گیری و حجم تقریبی نمونه:

جامعه آماری در این بررسی، نمونه آماری درآمد- هزینه خانوارهای شهری و روستایی است، که توسط مرکز آمار ایران طی دوره مورد مطالعه از بین ۱۲ الی ۳۰ هزار خانوار جمع آوری شده است.

۶-۱- روش تجزیه و تحلیل داده ها:

نتایج بدست آمده از تخمین، بر اساس نظریه های اقتصادی و توزیع درآمد، تجزیه و تحلیل خواهند شد. فقر پدیده ای است مرتبط با چگونگی کارکردها و ساختارهای اقتصادی و نیز روابط اجتماعی. تنها از طریق توصیف فقر نمی توان به شناخت آن نائل آمد. لازم است این پدیده پس از اندازه گیری، در فرآیند تحولات اجتماعی و با نظریات مطرح شده در این زمینه، مورد ارزیابی قرار گیرد. در مجموع روش ما برای شناخت فقر و عوامل پدیدآورنده آن روش سیستمی است که نخست اثر

رشد اقتصادی و میزان تولید را بر روی فقر ارزیابی می‌کنیم، سپس به سایر جنبه‌های آن، یعنی ارتباط فقر با سایر عوامل اقتصادی، اجتماعی می‌پردازیم. روش برآزش در این پژوهش OLS می‌باشد که از نرم افزار Stata استفاده خواهد شد.

این مطالعه شامل فصول زیر می‌باشد: فصل دوم به مرور تحقیقات انجام شده در این حوزه می‌پردازد و به صورت اجمالی نگاهی گذرا به نظریات مطرح شده در مقالات ارائه شده در این زمینه در چند دهه اخیر می‌پردازد و همچنین به بررسی تاریخچه و مطالعات انجام شده در داخل ایران نیز می‌پردازد. در فصل سوم مبانی نظری نسبتاً جامعی ارائه شده است. شامل: تعریف فقر و انواع آن، شاخصهای اندازه گیری فقر می‌باشد. همچنین ساختار اقتصادی کشورهای نفت خیز مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و بر اساس آخرین مطالعات انجام گرفته به ارائه راهکارها و سیاستهای منطبق با شرایط خاص این گونه کشورها پرداخته می‌شود، به طور مبسوط به شرح عوامل ایجاد بیماری هلندی و راههای جلوگیری از گسترش این بیماری در اقتصاد مورد تحلیل قرار می‌گیرند. در ادامه رابط رشد درآمد سرانه و تغییرات فقر و همچنین پایه نظری سایر عواملی که به نحوی روی رشد درآمد تاثیر داشته و در نتیجه منجر به تغییرات فقر می‌گردند نیز بررسی می‌گردد.

فصل چهارم نیز نتایج حاصل از محاسبه فقر کل بر اساس شاخص فوستر، گریر و توربک (۱۹۸۴) و روند شهری و روستایی آن در ایران طی دوره مورد بررسی، پرداخته شده و در ادامه چگونگی برآزش مدل، ارائه می‌گردد. در فصل پنجم نیز نتایج حاصل از اجرای مدل که با استفاده از نرم افزار stata انجام شده مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته، و در نهایت با در نظر گرفتن موقعیت و شرایط موجود در ایران (سیاستهای مشابه در کشورهای مختلف به دلیل شرایط اولیه گوناگون و حتی شرایط اجتماعی متفاوت از هم خواهد بود) به ارائه راهکارهای سیاستی برای کاهش فقر می‌پردازد.

فصل دوم

**مروری بر مطالعات
انجام شده**

۲-۱- مروری بر پژوهشهای خارجی:

رابطه بین رشد اقتصادی، فقر و نابرابری از جمله مباحث مطروحه در هر دو دسته کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه می باشد. این مساله که آیا رشد اقتصادی به نفع فقرا می باشد یا نه، ابتدا در هند در حدود سال ۱۹۶۰ مطرح شد.

از دهه ۱۹۵۰ تا اوایل ۱۹۷۰ مناظره های زیادی در مورد رابطه بین رشد اقتصادی و نابرابری درآمدی انجام شد. در قسمتی از فرضیه مشهور منحنی L معکوس، کوزنتس^۱ بیان می کند که نابرابری در ابتدای مراحل توسعه و پیشرفت افزایش می یابد، و سپس بعد از رسیدن به یک سطح مشخص شروع به کاهش می کند (کوزنتس ۱۹۵۵). وی استدلال کرد که به نظر می رسد نیروی پیش برنده رشد، تغییراتی را در وضعیت دوگانه اقتصاد ایجاد می کند و نیروی کار از بخش سنتی تقسیم نشده و فقیر، به سمت بخش مدرن تر، بهره ورتر و تفکیک شده حرکت می کند.

این عقیده در مورد رابطه رشد و نابرابری مورد بحث محققین زیادی واقع شده است. برای مثال کانبور (۱۹۹۸) به ارتباط بین نتایج تجربی کوزنتس و مدل مازاد نیروی کار لوئیس (۱۹۵۴) اشاره می کند. سپس پیش بینی می کند که در یک اقتصاد با عرضه نامحدود نیروی کار سهم سود به نسبت سهم دستمزد افزایش می یابد این وضعیت تا زمانی که مازاد نیروی کار تمام شود ادامه می یابد.

به همین شکل، مدل رشد کالدور، نشان می دهد که نظام سرمایه داری کشش زیادی برای ذخیره نیروی کار دارد، و افزایش مطلوبیت سود حاصل از نرخ رشد را در نظر می گیرد (کالدور ۱۹۶۷). اما این مدل بیشتر به کشورهای پیشرفته اشاره می کند که از توزیع درآمد به نسبت دستمزد و سود تبعیت می کنند تا کشورهای در حال توسعه.

^۱.Kuznets,S

تعداد زیادی از محققین در مورد فرضیه کوزنتس تردید داشتند. دنینجر و اسکیر (۱۹۹۸) بیشترین تلاش را برای آزمون این فرضیه انجام دادند. و در نهایت به این نتیجه رسیدند که هیچ نشانه ای مبنی بر تأیید کامل الگوی کوزنتس وجود ندارد. و دریافتند که چگونه نابرابری اولیه و تغییرات آن در طول زمان بر تغییرات فقر موثرند. به هر حال فرضیه کوزنتس برای کشورهای پیشرفته صنعتی توضیح دهنده بود. اما بسیاری از محققین این فرضیه را برای کشورهای رو به رشد مناسب نمی دانند. راتی رامی^۱ (۱۹۹۸) فرضیه کوزنتس را بررسی کرد. وی معتقد است، فرضیه کوزنتس در مطالعاتی که به صورت مقطعی و ترکیبی از کشورهای توسعه یافته و کشورهای کمتر توسعه یافته انجام شده، تأیید می گردد. و چنانچه نمونه به کشورهای در حال توسعه محدود گردد، نتایج آن به صورت قابل توجه تغییر می یابد. عدم تأیید فرضیه کوزنتس ممکن است ناشی از ساختار متفاوت کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه باشد.

اولدریچ کین و گوساوپاپانک^۲ (۱۹۸۶) به بررسی فرضیه کوزنتس براساس داده های سری زمانی پرداختند. نتایج آنها یک منحنی نسبتاً مسطح از نابرابری درآمد، بر حسب درآمد سرانه را در طول زمان نشان می دهد. بنابراین در طول زمان، منحنی کوزنتس به سمت مسطح شدن حرکت می کند. بطور کلی تجزیه و تحلیل سری زمانی، فرضیه کوزنتس را چندان تأیید نمی کند. باید توجه کرد فرضیه کوزنتس رشد اقتصادی و افزایش درآمد سرانه را ناشی از افزایش پس انداز و سرمایه گذاری در نظر می گیرد، که در نتیجه تغییر آنها، نرخ بیکاری و تورم نیز تحت تاثیر قرار می گیرد. در حالیکه در ایران به علت ساختار متفاوت اقتصادی، افزایش درآمد سرانه و رشد اقتصادی ناشی از افزایش درآمدهای نفتی می باشد.

^۱ .Rati Rami.

^۲ .Oldrich Kyn & Gustav.F.Papanek.

در دهه ۱۹۷۰، که کوشش بیشتری برای ایجاد یک سازوکار باز توزیع مشخص انجام شد، که هدف آن کاهش فقر بود بدون اینکه رشد را مختل کند. مطالعات در این زمینه شروع شد و برای اولین بار روی اندازه گیری غیر درآمدی فقر، به صورت تحقیقات مربوط به کالاهای اساسی تاکید شد. این تغییر دیدگاه نسبتاً بی دوام بود و در خلاف جهت رشد نئولیبرالیسم در اوایل دهه ۱۹۸۰ بود که اصطلاحاً "اجماع واشنگتن"^۱ نامیده شد. بولسترد نیز با این نتیجه می رسد که رشد اقتصادی، عامل مهمی برای کاهش فقر است و سازوکار "نشست رو به پائین"^۲ نیز همیشه موفقیت آمیز نیست. در دهه ۱۹۹۰ چالشهای زیادی در دو دیدگاه نئولیبرالیسم و رشد و نابرابری به وجود آمد. با استناد به دلایل تجربی بسیاری، نشان داده شد که هیچ رابطه مشخصی بین رشد، نابرابری و فقر در کشورها و زمانهای مختلف وجود نداشته است.

در مطالعات دیگری نیز نشان داده شد که، در بسیاری از کشورهای در حال توسعه در آفریقا، در اقتصادهای وابسته، و در آمریکای لاتین، سیاستهای تثبیتی و تطبیقی یک اثر معکوس روی فقر و نابرابری و یا به عبارت بهتر اثر کمی روی شرایط فقرا دارد. قبل از بحران مالی در اواخر دهه ۱۹۹۰، یک اتفاق نظر بنام کارائی زیاد در کشورهای آسیایی به وجود آمد، که ترکیبی از رشد سریع درآمد سرانه همراه با نابرابری پائین و پایدار بود.

در تحقیقات اخیر که رابطه جایگزینی و نشست رو به پائین به چالش کشیده می شود. به نظر می رسد ریشه آن در مباحث طرفداران توزیع دهه ۱۹۷۰ قرار دارد که اتفاق نظر آنها بر روی مدل "توزیع همراه با رشد"^۳ می باشد که در آن گروههای اجتماع با حقوق مالکیت یا میزان دسترسی به دارائی مشخص می شوند. رشد و توزیع از طریق پیوندهای درآمدی ما بین گروههای اجتماعی همراه با ارتباط بین نیروی کار و بازارهای مواد اولیه به هم مرتبط می شوند. تجربه های

¹ . Washington Consensus

² .Trickle-Down Mechanism

³ . Distribution with Growth.

مشابه این مدل نشان می دهد که اگر کل تولیدات افزایش یابد، سپس باز توزیع انجام شود نه تنها موجب بهبود قابل توجهی در درآمد فقرا می شود، بلکه به نفع سایر گروههای اجتماع نیز می شود. بررسیهای بیشتری که اخیراً انجام شده روی این نظریه است که چگونه نابرابری و فقر با توجه به ظرفیت رشد کاهش می یابد و بر عکس. محققان دریافته اند که وقتی میزان نابرابری اولیه کم باشد، افزایش رشد منجر به کاهش فقر خواهد شد. به هر حال نکته ای که در اینجا وجود دارد این است که نابرابری درآمدی در داخل کشورها نسبتاً باثبات است ولی دیدگاههای بدبینانه تاکید می کنند بر این امر که فقر منجر به رشد کشورها می شود.

به دلیل اهمیت این موضوع موسسه تحقیقات توسعه اقتصادی وابسته به دانشگاه سازمان ملل^۱ به بررسی نظریات موجود و گردآوری دیدگاههای متفاوت در مورد رابطه بین رشد، فقر و نابرابری پرداخت.

کانبور (۲۰۰۴) به بررسی این سوال می پردازد که، چرا با وجود تحقیقات زیاد و داده های خوب در این زمینه هنوز اختلاف نظرهای زیادی در بحث مربوط به رشد اقتصادی، فقر و نابرابری در میان مباحث دانشگاهی، سازمانها و گروههای مختلف فعال در زمینه توسعه و پیشرفت وجود دارد؟ پیش از بررسی موشکافانه نظریات متفاوت در مورد رشد، فقر و نابرابری، کانبور اشاره می کند که اکنون ایجاد یک هماهنگی بین بحثهایی که از دو دهه قبل موجود است ضروری به نظر می رسد. یک اتفاق نظرایجاد شده در این زمینه این است که بهبود آموزش و افزایش سلامت عمومی می تواند باعث بیشتر شدن درآمد و کاهش میزان فقر شود. دوم اینکه در مورد اثرات زیست محیطی فعالیتهای اقتصادی، بی ثباتی بازارهای مالی یا تحقیقات در مورد مقوله های کشاورزی و آفات کشاورزی و اثرات زیاد آنها از جمله مواردی هستند که نیاز به مداخله دولت دارند.

^۱. World Institute for Development Economics Research of the United Nations University.

همچنین تاسیس تشکلهای غیردولتی^۱ پس از جنگ سرد که روشهای سودمندی در این زمینه ارائه کردند و نیز تاسیس نهادهایی که با تنظیم بازار و فشار بر دولتها و همچنین بررسی روابط خانوار و بازار می توانند بر کیفیت رشد و تاثیر بیشتر آن در زمینه کاهش فقر موثر باشند. و در نهایت با توجه به این که نظریات متفاوتی در این زمینه وجود دارد، بررسی این اختلاف نظرها ممکن است به اجرای بهتر سیاستها کمک کند. (کانبور ۱۹۹۹)

۲-۲- ماهیت اختلاف نظرها درباره مباحث فقر و رشد:

کانبور (۲۰۰۴) اشاره می کند که اگرچه دیدگاههای مختلف نگاهی بیندازیم می توان آنها را در یک چهارچوب مشخص دسته بندی کرد: تجمیع^۲، افق زمانی، ساختار بازار. در تجمیع مراحل کاهش فقر بصورت کاهش در درصد جمعیت زیر خط فقر مشخص شده و نشان می دهد که طبق این ویژگی فقر در بسیاری از کشورها کاهش یافته است. اما برای اثبات آن ما نیاز به اطلاعات خاصی داریم که در جمع آوری این اطلاعات باید مسایل زیر را در نظر گرفت: اول میزان خدمات عمومی و دسترسی به فرصتهای بازاریاست که به ندرت این آمار گزارش می شوند. دوم اینکه مقدار عمومی فقر از گروههای مختلف تشکیل شده (منطقه ای- شهری و روستایی - جنسیتی) که تجربه فقر در این گروهها متفاوت است. سوم اینکه اغلب تعداد خالص فقرا بیشتر از درصد فقرا می باشد. ممکن است درصد جمعیت فقرا کاهش یابد ولی تعداد کل فقرا ممکن است ثابت بماند، یا حتی افزایش یابد. مخصوصاً در کشورهایی که نرخ رشد جمعیت بسیار بالایی دارند. در بررسی افق زمانی اصلاح ساختار تجارت در یک چهارچوب میان مدت در جهت تنظیم یک نظریه تعادلی، که بر مبنای فروض زیادی استواراست، مطالعه می شود. بازارها و عوامل تولید برای تطبیق با تغییرات در ساختار اقتصادی به زمان نیاز دارند، ولی برای فعاليتها معمولاً دوره کوتاه مدت

^۱ . NGOs

^۲ . Aggregation